

کنارش پژوهشی



# مبانی تحلیلی نظام جمهوری اسلامی ایران

## آیت الله عباس کعبی

عنوان پژوهش

تحلیل مبانی اصل ششم قانون اساسی

شماره مسلسل: ۱۳۹۴۰۰۶۹

تاریخ: ۱۳۹۴/۰۴/۱۳



## شناسنامه

عنوان:

مبانی تحلیلی نظام جمهوری اسلامی ایران  
تحلیل مبانی اصل ششم قانون اساسی  
آیت الله عباس کعبی

تحقیق و تنقیح: محسن ابوالحسنی

ویراستار تخصصی: علی بهادری جهرمی

دفتر مطالعات نظام سازی اسلامی

شماره مسلسل: ۱۳۹۴۰۰۶۹

تاریخ انتشار: ۱۳۹۴/۰۴/۱۳

پژوهشکده شورای نگهبان



مبانے تحلیلے نظام جمہوری اسلامے ایران

تحلیل مبانے اصل ششم قانون اساسے

## فهرست مطالب

|                                                                      |    |
|----------------------------------------------------------------------|----|
| مقدمه .....                                                          | ۳  |
| مبحث اول: نقش مردم در مراحل مختلف حکومت اسلامی .....                 | ۴  |
| گفتار اول: نقش مردم پیش از تشکیل حکومت اسلامی .....                  | ۵  |
| گفتار دوم: نقش مردم در مرحله‌ی تشکیل حکومت اسلامی .....              | ۸  |
| گفتار سوم: نقش مردم پس از تشکیل حکومت اسلامی .....                   | ۱۳ |
| مبحث دوم: ادله‌ی فقهی اداره‌ی امور کشور با اتکا بر آرای عمومی .....  | ۱۵ |
| گفتار اول: مشارکت فعال از باب وجوب مقدمه‌ی واجب .....                | ۱۸ |
| گفتار دوم: متعلق تکلیف واقع شدن امت در کنار امامت .....              | ۱۹ |
| گفتار سوم: مسئولیت مسلمانان نسبت به یکدیگر در امور اجتماعی .....     | ۲۱ |
| گفتار چهارم: خیرخواهی و نصیحت امام مسلمانان .....                    | ۲۳ |
| گفتار پنجم: اطلاق و عموم بعضی از دستورهای قرآن .....                 | ۲۵ |
| بند اول: تعاون در امور خیر .....                                     | ۲۵ |
| بند دوم: توصیه به حق و صبر .....                                     | ۲۶ |
| بند سوم: امر به مشورت و وجوب دوسویه‌ی آن .....                       | ۲۶ |
| مبحث سوم: سازوکارهای مشارکت مردم در اداره‌ی امور کشور .....          | ۲۸ |
| مبحث چهارم: چارچوب‌های اداره‌ی امور کشور با اتکا بر آرای عمومی ..... | ۳۲ |
| گفتار اول: شریعت اسلامی .....                                        | ۳۳ |
| گفتار دوم: تنفیذ ولی فقیه .....                                      | ۳۵ |
| جمع‌بندی بخش ششم .....                                               | ۳۸ |
| منابع .....                                                          | ۴۱ |

## اصل ششم:

در جمهوری اسلامی ایران، امور کشور باید با اتکا بر آرای عمومی اداره شود، از راه انتخابات: انتخاب رئیس جمهور، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، اعضای شوراها و نظایر این‌ها، یا از راه همه‌پرسی در مواردی که در اصول دیگر این قانون معین می‌شود.

## مقدمه

مکاتب سیاسی گوناگون، گونه‌های مختلفی از حکومت را در طول تاریخ نظریه‌پردازی کرده و از تشکیل آن‌ها حمایت کرده‌اند. شاید بتوان گفت هیچ نظریه‌ی مختلف حاکمیت در جوامع مختلف را نمی‌توان یافت که مردم در آن نقشی نداشته باشند. حداقل حضور مردم در نظریه‌های حاکمیتی در حکومت‌های خودکامه به‌عنوان حکومت‌شوندگانی است که بدون هیچ‌گونه مشارکتی در امر حاکمیت، صرفاً وظیفه‌ی تبعیت از اوامر حاکمان را به‌عهده دارند و استنکاف آن‌ها از اجرای دستورهای حاکمان موجب مجازات آن‌ها می‌شود و حداکثر نقشی را که برای مردم در نظر گرفته شده است می‌توان در حکومت‌های دموکرات یافت که به حکومت مردم بر مردم تعریف می‌شود و مردم نقشی محوری در تحقق آن حکومت دارند.

نقش و جایگاه مردم در حکومت اسلامی نیز همواره محل بحث میان اندیشمندان مسلمان بوده است. در حکومت اسلامی، اساس و بنیان فعالیت‌ها، نظر و خواست شارع مقدس است و از این‌رو تشکیل این‌گونه حکومت‌ها چه در زمان معصومین علیهم‌السلام و چه ادامه‌ی آن در دوران غیبت معصوم علیه‌السلام از مباحثی است که در حیطه‌ی کلام اسلامی محل بحث اندیشمندان قرار دارد؛ چراکه حکومت اسلامی از اصول نبوت و امامت سرچشمه گرفته و بدین سبب ویژگی‌ها و خصوصیات آن، در علم کلام که موضوع آن عقاید دینی است<sup>(۱)</sup>، محل بحث قرار می‌گیرد.

فارغ از بحث‌های مختلف درباره‌ی چیستی، چرایی و چگونگی حکومت اسلامی و شرایط فعالیت آن در زمان‌های مختلف که محل بحث این بخش از نوشتار نیست، جایگاه و شأن مردم در حکومت اسلامی و نقش آن‌ها در مراحل مختلف تشکیل و استمرار حکومت اسلامی و حد و حدود فعالیت و میزان تأثیرگذاری آن‌ها در تحولات

۱. علی ربانی گلپایگانی، درآمدی بر علم کلام، قم: دارالفکر، ۱۳۷۸، ص ۳۵.

مختلف مربوط به حکومت اسلامی از موضوعات مهمی است که در حوزه‌ی مسائل حکومت اسلامی مورد بحث و بررسی اندیشمندان مختلف قرار گرفته و نظریه‌های مختلفی در مورد آن بیان شده است.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران هم در اصل ۶، تصریح کرده است که امور کشور باید با اتکا بر آرای عمومی اداره شود و این اتکا به آرای عمومی در قالب انتخابات، با انتخاب رئیس‌جمهور یا نمایندگان مجلس شورای اسلامی، اعضای شوراها و ... یا از طریق همه‌پرسی در مسائل و موضوعات مهم و حساس جامعه صورت می‌گیرد. به این ترتیب قانون‌گذاران اساسی کشورمان پس از تأکید بر موازین اسلامی به‌عنوان محور و اساس همه‌ی قوانین و مقررات در کشور در اصل ۴ و مشخص کردن ولی امر و امام جامعه و خصوصیات وی در اصل ۵، در این اصل یکی دیگر از پایه‌های اصلی حکومت یعنی مردم را موضوع قرار داده و جایگاه آن را در اداره‌ی امور جامعه‌ی اسلامی روشن ساخته‌اند.

در این بخش از مبانی تحلیلی نظام جمهوری اسلامی ایران و با توجه به آنچه در اصل ۶ قانون اساسی به مردم سپرده شده است، نخست باید نقش مردم در مراحل مختلف حکومت اسلامی روشن شود و پس از آن و با فهم منظور قانون‌گذاران اساسی کشورمان از این اصل، ادله‌ی فقهی چنین امری بررسی شود. به عبارت دیگر در این بخش ادله‌ی فقهی اداره‌ی امور کشور با اتکا بر آرای عمومی بررسی شده و سازوکارهای فقهی مشارکت مردم در اداره نیز با توجه به آنچه در این اصل ذکر شده است، تحلیل خواهد شد. علاوه بر این چارچوب‌ها و محدودیت‌های مطرح در این زمینه در موازین شرعی و قانونی، تبیین می‌شود.

### مبحث اول: نقش مردم در مراحل مختلف حکومت اسلامی

در بررسی مبانی تحلیلی نظام جمهوری اسلامی ایران در اصل ۶ قانون اساسی که اداره‌ی امور کشور را با اتکا بر آرای عمومی معرفی می‌کند، یکی از مباحث مقدماتی مهم، بررسی جایگاه مردم در حکومت اسلامی است تا پس از آن و با توجه به نظریه‌ی مختار در این زمینه، ادله و مبانی مربوط به اداره‌ی امور کشور با اتکا بر آرای عمومی محل بحث قرار گیرد.

تشکیل حکومت اسلامی فرایندی چندمرحله‌ای است که در همه‌ی مراحل آن

می‌توان حضور مردم را در نقش‌های مختلف مشاهده کرد. به عبارت دیگر مردم در مراحل مختلفی در روی کار آمدن حکومت اسلامی، نقش‌آفرینی می‌کنند که نقش‌های متفاوت ایشان در هر کدام از این مراحل باید به دقت بررسی شود. یکی از نتایج این بررسی‌ها تبیین این مسئله است که در نگاه قانون‌گذاران اساسی کشورمان در کدام یک از مراحل زیر، امور باید با اتکا بر آرای مردم انجام گیرد؟ آیا آرای عمومی در مرحله‌ی تشکیل حکومت اسلامی هم نقش نهایی و تعیین‌کننده دارد یا از «اداره‌ی امور کشور» صرفاً مرحله‌ی پس از تشکیل حکومت اسلامی و پیشبرد امور جاری جامعه‌ی اسلامی مدنظر است؟

در همین راستا فرایند تشکیل حکومت اسلامی در سه مرحله‌ی اصلی بررسی و به نقش مردم در هر کدام از این مراحل اشاره خواهد شد.

### گفتار اول: نقش مردم پیش از تشکیل حکومت اسلامی

تشکیل حکومت اسلامی و قرار گرفتن امام معصوم علیه السلام - در صورت امکان - یا افرادی با خصوصیات شبیه به ایشان، در رأس جامعه‌ی سیاسی خواست خداوند متعال است و هر حکومتی که ریشه در حاکمیت الهی نداشته باشد، طاغوت، شرک‌آمیز، نامشروع و غیرقانونی است<sup>(۱)</sup>. طاغوت بودن هر حکومتی که مبنایی غیرالهی داشته باشد و از سوی دیگر توجه به حکومت اسلامی به عنوان مقدمه‌ای برای اجرای دستورهای شارع مقدس و زمینه‌ساز اجرای کامل آن‌ها، موجب می‌شود که عموم مسلمانان اعم از ولی الهی و همچنین عامه‌ی مسلمانان مکلف شوند تا در راستای تشکیل چنین حکومتی فعالیت کنند و در راه نیل به این هدف اقدام نمایند<sup>(۲)</sup>. چراکه تشکیل حکومت بر مبنای شرع مقدس و براساس ولایت الهی از مطلوبات و

۱. روح‌الله موسوی خمینی، ولایت فقیه، تهران: مؤسسه‌ی تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، ج دوازدهم، ۱۴۲۳ق، ص ۳۵؛ حسینعلی منتظری، دراسات فی ولایة الفقیه و فقه الحکومة الاسلامیة، قم: تفکر، ۱۴۰۹ق، ج ۱، صص ۳ - ۱۲.

۲. حسینعلی منتظری، همان، صص ۱۸۴ - ۳۳۲. برای مطالعه بیشتر در مورد لزوم اجرای احکام اسلامی و ضرورت تشکیل حکومت به منظور تحقق آن رک: سید روح‌الله موسوی خمینی، ولایت فقیه، تهران: مؤسسه‌ی تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، ۱۴۲۳ق، ص ۲۵ به بعد.

حسینعلی منتظری، مبانی فقهی حکومت اسلامی، تهران: مؤسسه کیهان، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۲۷۹ به بعد.  
عباسعلی عمید زنجانی، فقه سیاسی، تهران: امیرکبیر، ۱۴۲۱ق، ج ۲، ص ۱۵۵ به بعد.

خواسته‌های شارع مقدس است<sup>(۱)</sup> که از سوی خداوند مستقیماً اعمال نشده و تحقق آن به عهده‌ی مردم است تا ایشان مقدمات و ابزار ایجاد چنین حکومتی را فراهم کنند و ولی الهی را در برپایی و تشکیل حکومت اسلامی یاری رسانند.

انسان بنابر اراده‌ی تکوینی خداوند، آزاد خلق شده است و ضمن هدایت از سوی خداوند، در انتخاب راه و رسم زندگی و حرکت به سوی کمال یا انحطاط مختار است.<sup>(۲)</sup> از این رو مردم آزادند که میان خواسته‌ی خداوند و نظر مخالف، امری را اختیار کنند. البته روشن است که وجود چنین اختیاری بدین معنا نیست که آنچه مردم برگزینند درست است و چنانچه نظری مخالف اراده‌ی تشریعی خداوند داشتند، گناهکار نیستند و از عقاب مصون‌اند؛ بلکه بدین معناست که مردم حق دارند بین کمال از طریق عمل به خواسته‌ی خداوند - که در این موضوع، تشکیل حکومت اسلامی

۱. البته این امر اراده‌ی تکوینی خداوند نبوده و اراده‌ی تشریعی خداوند متعال بر آن تعلق گرفته است. توضیح آنکه خدای سبحان دو نوع اراده دارد: یکی اراده‌ی تکوینی و دیگری اراده‌ی تشریعی. اراده‌ی تکوینی الهی که تخلف‌ناپذیر و حتمی است، نظیر اراده‌ی تکوینی خداوند درباره‌ی انسان که افعال و کردار و رفتار و اقوالش به این است که انسان اختیار و آزادی عمل داشته باشد. به عبارت دیگر خدای سبحان به انسان اختیار و اراده و آزادی داد و براساس آزادی او را مکلف کرد و مورد خطاب خود و دستورهای خود قرار داد. اما در مقابل این اراده، اراده‌ی تشریعی قرار دارد. انسان در تکوین آزاد آفریده شده است و از طرف دیگر از درون مجهز به عقل و فطرت و نفس مُلَهَمَه و از بیرون به هدایت انبیا و اولیای الهی آراسته شده است و همچنین شیطان و نفس اماره او را به بدی و عصیان سوق می‌دهند. چنین انسانی از جانب خدای سبحان مکلف به دستورهایی شده و از کارهایی منع شده است. و این معنای اراده‌ی تشریعی الهی است. به عبارت دیگر خدای سبحان از انسان آزاد و مختار می‌خواهد که یک‌سری کارها را انجام بدهد و یک‌سری کارها را انجام ندهد. و اگر این انسان به دستورهای الهی با حسن اختیار خود گردن نهاده، پاداش الهی را خواهد چشید و اگر با سوء اختیار خود، از دستورهای الهی سرپیچی کرد، کیفر خواهد شد. بنابراین خداوند متعال اراده کرده است که انسان به اختیار خود به سمت خوبی‌ها برود و از بدی‌ها پرهیز کند. و این اراده‌ی تشریعی الهی است که به معنای رضایت و کراهت الهی است. و راه درست را نیز به او از درون و بیرون نشان داده است. اما به انسان اختیار و اراده و آزادی داده است که به حسن اختیار خود یا سوء اختیار خود راه درست یا غلط را برود و این معنای اراده‌ی تکوینی الهی است.

برای مطالعه‌ی بیشتر و دقیق‌تر درباره‌ی اراده‌ی تکوینی و تشریعی ر.ک:

احمد خاتمی، فرهنگ علم کلام، تهران: صبا، ۱۳۷۰، ص ۵۵.

علی محمدی، شرح کشف المراد، قم: دارالفکر، ۱۳۷۸، ص ۱.

۲. «أَنَا هَدَيْتُهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا». ما راه را به او نشان دادیم یا سپاسگزار خواهد بود یا ناسپاس (انسان: ۳).



است - و انحطاط و عقاب الهی با پیمودن مسیری خلاف خواست خدا، آزادانه انتخاب کنند. به عبارت دیگر به تعبیر حضرت آیت الله جوادی آملی «انسان، تکویناً آزاد آفریده شده است و هرگز بر پذیرش هیچ حاکمیتی - اعم از الهی یا غیر آن - مجبور نیست. ازاین رو، نه در اصل دین، رواست؛ «لا اکراه فی الدین»<sup>(۱)</sup> و نه حکومت دینی می تواند اجباری باشد؛ هرچند که انسان، تشریعاً باید دین و حاکمیت الهی را بپذیرد»<sup>(۲)</sup>

مردم در راه تشکیل حکومت اسلامی وظیفه‌ی بسترسازی و مهیا کردن شرایط ایجاد چنین حکومتی را بر عهده دارند. رأی و نظر مردم زمینه ساز تشکیل حکومت اسلامی خواهد شد و چنانچه رأی و نظر مردم موافق تشکیل این حکومت نباشد، اقتدار حاکمیت از طریق زور و سلاح تأمین نمی شود. در اسلام نظریه‌ی قهر و غلبه (تغلب)<sup>(۳)</sup> جایگاهی ندارد و اقتدار حکومت باید از طریق اختیار و انتخاب مردم حاصل شود.<sup>(۴)</sup> چنانکه امیرالمؤمنین (علیه السلام) نیز با اینکه دارای حق قطعی ولایت بودند، تنها زمانی که مردم، خلافت ایشان را اختیار و انتخاب کردند، خلافت بر امت اسلامی را پذیرفتند.<sup>(۵)</sup>

پس بدین معنا و براساس آنچه بیان شد، تشکیل حکومت اسلامی نیازمند انتخاب از سوی مردم جامعه خواهد بود و تا زمانی که مردم برای تشکیل جامعه‌ی اسلامی با ولی الهی همراهی نکنند، حکومت اسلامی محقق نخواهد شد. ازاین رو چنانچه مردم در این زمینه کوتاهی کنند، عصیان‌گر و گناهکار شناخته می شوند، اما برای برپایی حکومت اسلامی هم نمی توان از قهر و غلبه و زور و تحمیل حکومت اسلامی به مردم استفاده کرد.

۱. بقره: ۲۵۶.

۲. عبدالله جوادی آملی، نسبت دین و دنیا، بررسی و نقد نظریه‌ی سکولاریسم، قم: اسراء، ۱۳۸۷، ج پنجم، ص ۲۳.

۳. به چیرگی تمام دست یافتن به چیزی و به قهر استیلا یافتن بر بلاد (علی اکبر دهخدا، فرهنگ متوسط دهخدا، تهران: مؤسسه‌ی انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۸۵، ج اول، ص ۷۵۶).

۴. سید علی خامنه‌ای، بیانات در مراسم بیست و پنجمین سالروز رحلت حضرت امام خمینی (ره)، ۱۳۹۳/۰۳/۱۴، قابل دسترسی در:

<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=26615>

۵. سید علی خامنه‌ای، بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم، ۱۳۸۱/۰۶/۳۰، قابل دسترسی در:

<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3144>

## گفتار دوم: نقش مردم در مرحله‌ی تشکیل حکومت اسلامی

پس از بسترسازی‌های انجام گرفته و تهیه‌ی مقدمات، تشکیل دولت اسلامی نیازمند ارکانی است که از عوامل مشروعیت حاکم اسلامی محسوب می‌شود. ابتدای حکومت بر اصول و ارزش‌های شریعت و جهت‌گیری آن به سمت اهداف اسلامی، مشروعیت حاکم و ابتدای قوانین و مقررات بر پایه‌ی موازین اسلامی از مهم‌ترین این ارکان به‌شمار می‌روند.

مقصود از نقش مردم در مرحله‌ی تشکیل حکومت اسلامی آن است که در مشروعیت حاکم اسلامی، نظر مردم تا چه حد مؤثر دانسته می‌شود. به عبارت دیگر سؤال اصلی در این بحث آن است که نقش مردم در ایجاد مشروعیت برای ولی فقیه به عنوان حاکم دولت اسلامی چیست؟ آیا نظر مردم در مشروعیت حاکم اسلامی مؤثر است و از ارکان مشروعیت به حساب می‌آید یا اینکه انتخاب مردم نقشی در مشروعیت حاکم اسلامی ندارد و این مشروعیت از جانب خداوند تأمین می‌شود و مردم بسترساز و زمینه‌ساز و عینیت‌بخش به این حاکمیت هستند؟

در این زمینه به دو نظر عمده اشاره می‌شود. براساس یکی از نظریات «در عصر غیبت اگر برای فقهای واجد شرایط، منصب امامت از سوی ائمه علیهم‌السلام به صورت عام و در مرتبه‌ی فعلیت ثابت گردد، سخن تمام است و گرنه بر امت واجب است از میان فقها، فقیه واجد شرایط را تشخیص دهند و او را برای تصدی این مقام نامزد نموده و انتخاب کنند».<sup>(۱)</sup> در این نظریه نصب فقیه در دوران غیبت از سوی ائمه علیهم‌السلام با استدلالاتی منتفی دانسته می‌شود و با بیان ادله‌ای در اثبات انتخابی بودن این مقام، تصریح می‌شود که امت اسلامی باید از میان فقهای واجد شرایط جامعه، با توجه به ویژگی‌های ذکرشده برای حاکم اسلامی در منابع اسلامی، حاکم اسلامی را انتخاب کنند.

توضیح در مورد این نظریه و استدلال‌های آن و همچنین نقدهای وارد بر آن، در حیطه‌ی مباحث این بخش نیست و در مباحث آتی به آن پرداخته خواهد شد<sup>(۲)</sup>، اما آنچه

۱. حسینعلی منتظری، دراسات فی ولایة الفقیه و فقه الحکومه الاسلامیه، قم: تفکر، ۱۴۰۹ق، ج ۱، صص ۴۲۵ و ۴۲۶.

۲. نقدهای بسیاری بر این نظریه وارد شده است که در آن‌ها ادله‌اش نقد شده و نقدها پاسخ داده شده است. برای مطالعه‌ی نقدهای وارد بر این نظریه رک: محمدتقی مصباح یزدی، پرسش‌ها و پاسخ‌ها، قم: 

در این مجال محل بررسی است، نقشی است که «نظریه‌ی انتخاب» برای مردم در انعقاد حکومت اسلامی قائل است. براساس این نظریه، در زمان حضور امام معصوم علیه السلام به علت وجود نص خاص و نصب از جانب شارع، مجالی برای انتخاب مردم باقی نمی ماند. اما در دوران غیبت معصوم علیه السلام شارع مقدس شرایط ویژه‌ای را برای والی مشخص کرده است که در چارچوب آن، مردم حق انتخاب حاکم اسلامی را دارند.<sup>(۱)</sup> به بیان دیگر ضمن اینکه حاکم اسلامی باید از خصوصیات مدنظر شارع برای ولایت جامعه‌ی اسلامی برخوردار باشد و از این نظر مشروعیت داشته باشد، باید منتخب مردم نیز باشد و کسی که مردم او را به این سمت برمی‌گزینند، برای حکومت و ولایت بر مردم مشروعیت تام دارد. پس تشکیل حکومت اسلامی چنانکه بیان شد، تنها توسط ولی فقیه مشروع امکان دارد و این مشروعیت دارای دو رکن الهی و مردمی است. مشروعیت الهی با برخورداری از صفاتی همچون عقل و درایت، اسلام و ایمان، عدالت، علم و فقاقت، قدرت و تدبیر رهبری، آلوده نبودن به خصلت‌های ناپسند و ...<sup>(۲)</sup> حاصل می‌شود و مشروعیت مردمی نیز با منتخب مردم واقع شدن، ایجاد می‌شود. در این نظریه انتخاب رهبر توسط مردم و واگذاری امور به او و قبول ولایت از سوی وی، نوعی قرارداد و معاهده بین والی و مردم است که بر صحت و نفوذ آن، همه‌ی دلایلی که بر صحت عقود و نفوذ آن دلالت داشته، دلالت دارد.<sup>(۳)</sup> این انتخاب و قرارداد در ادبیات دوران صدر اسلام در قالب بیعت بروز پیدا می‌کرده است. درباره‌ی ماهیت بیعت بین اندیشمندان اسلامی اختلاف نظر وجود دارد، اما در این نظریه، بیعت ابزاری برای اعلام انتخاب فرد به عنوان حاکم اسلامی و عقد قرارداد میان امام و امت دانسته می‌شود.<sup>(۴)</sup> پس به این معنا مردم در این نظریه یکی از

مؤسسه‌ی آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته الله علیه، چ چهاردهم، زمستان ۱۳۸۰، ج ۲، فصل دوم؛ محمدجواد ارسط، نگاهی به مبانی تحلیلی نظام جمهوری اسلامی ایران، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۹، صص ۱۲۵ - ۱۴۴.

۱. حسینعلی منتظری، دراسات فی ولایة الفقیه و فقه الحکومة الاسلامیة، قم: تفکر، ۱۴۰۹ق، ج ۱، صص ۴۹۵ و ۴۹۶.

۲. همان، ج ۱، صص ۲۵۷ - ۳۹۷.

۳. همان، ج ۲، صص ۴۹۶ و ۴۹۷.

۴. حسینعلی منتظری، دراسات فی ولایة الفقیه و فقه الحکومة الاسلامیة، قم: تفکر، ۱۴۰۹ق، ج دوم، صص ۳۱۸ - ۳۲۶.

پایه‌های مشروعیت حکومت اسلامی محسوب می‌شوند و حتی در مقام طرف قرارداد با حاکم اسلامی، او را برای این مقام بر می‌گزینند و به‌عنوان یکی از دو رکن اصلی، نقشی کاملاً مؤثر در تشکیل حکومت اسلامی و انتخاب حاکم اسلامی دارند و اگر حاکم اسلامی را انتخاب نکنند، به هیچ عنوان حکومت اسلامی تشکیل نخواهد شد، چراکه نظر مردم یکی از ارکان مشروعیت حکومت اسلامی به‌شمار می‌رود و بدون وجود آن، حکومت اسلامی تشکیل نخواهد شد.

نظریه‌ی مذکور، طرفداران زیادی در میان فقها و اندیشمندان اسلامی در طول تاریخ نداشته و تنها در چند دهه‌ی اخیر توسط برخی علما مطرح شده است. در مقابل، بیشتر فقها در این زمینه، به انتصابی بودن ولایت فقیه جامع‌الشرایط معتقدند. براساس این نظریه فقیه جامع‌الشرایط، به حکم برهان عقلی و نصوص نقلی، در عصر غیبت ولی عصر علیه السلام نایب عام آن حضرت است و از سوی امامان معصوم علیهم السلام، برای اجرای احکام اسلام و نیابت در شئون مختلف ولایت جامعه‌ی اسلامی منصوب شده، بر جامعه‌ی اسلامی ولایت دارد و همان‌گونه که مردم، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام را وکیل خود نکردند، با آنان میثاق و پیمان پیروی و حرکت در راه خدا بستند، با نایب و منصوب آن بزرگان نیز همین پیمان و میثاق را می‌بندند؛ البته با تفاوت‌های مهمی که میان معصوم و غیرمعصوم وجود دارد.<sup>(۱)</sup>

بر این اساس فقیه با برخورداری از جمیع شرایط ذکرشده در روایات برای تصدی مقام ولایت، به این مقام به‌صورت عام منصوب می‌شود. فرمان نصبی که از سوی امام صادق علیه السلام در روایت مقبوله‌ی عمر بن حنظله<sup>(۲)</sup> درباره‌ی فقیه‌ی که مؤمنان برای حل

۱. عبدالله جوادی آملی، ولایت فقیه (ولایت فقاقت و عدالت)، قم: اسراء، چ چهاردهم، ۱۳۹۱، ص ۲۳۰.

۲. «عَنْ عُمَرَ بْنِ حَنْظَلَةَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام عَنْ رَجُلَيْنِ مِنْ أَصْحَابِنَا بَيْنَهُمَا مُنَازَعَةٌ فِي دَيْنٍ أَوْ مِيرَاثٍ فَتَحَاكَمَا إِلَى السُّلْطَانِ وَ إِلَى الْقَضَاءِ أَ يَجْلُ ذَلِكَ قَالَ مَنْ تَحَاكَمَ إِلَيْهِمْ فِي حَقٍّ أَوْ بَاطِلٍ فَإِنَّمَا تَحَاكَمُ إِلَى الطَّاعُوتِ وَ مَا يَحْكُمُ لَهُ فَإِنَّمَا يَأْخُذْ سِحْنًا وَ إِن كَانَ حَقًّا ثَابِتًا لَأَنَّهُ أَخَذَهُ بِحُكْمِ الطَّاعُوتِ وَ قَدْ أَمَرَ اللَّهُ أَنْ يُكْفَرَ بِهِ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى يُرِيدُونَ أَنْ يُتَحَاكَمُوا إِلَى الطَّاعُوتِ وَ قَدْ أَمَرُوا أَنْ يُكْفَرُوا بِهِ «۱» قُلْتُ فَكَيْفَ يَصْنَعَانِ قَالَ يَنْظُرَانِ إِلَى مَنْ كَانَ مِنْكُم مِمَّنْ قَدْ رَوَى حَدِيثَنَا وَ نَظَرَ فِي حَالِنَا وَ حَرَامِنَا وَ عَرَفَ أَحْكَامَنَا فَلْيُرْضَوْا بِهِ حَكْمًا فَإِنِّي قَدْ جَعَلْتُهُ عَلَيْكُمْ حَاكِمًا فَإِذَا حَكَمَ بِحُكْمِنَا فَلَمْ يَقْبَلْهُ مِنْهُ فَإِنَّمَا اسْتَخَفَّ بِحُكْمِ اللَّهِ وَ عَلَيْنَا رَدُّ الرَّأْيِ عَلَيْنَا الرَّأْيُ عَلَى اللَّهِ وَ هُوَ عَلَى حَدِّ الشَّرْكِ بِاللَّهِ...»

اختلافات خود باید به ایشان مراجعه کنند، صادر فرموده‌اند، کلی و عمومی است. «همان‌طور که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در دوران حکومت ظاهری خود حاکم، والی و قاضی تعیین می‌کردند و عموم مسلمانان وظیفه داشتند که از آن‌ها اطاعت کنند، حضرت امام صادق علیه السلام نیز چون «ولی امر» مطلق می‌باشد و بر همه‌ی علماء، فقها و مردم دنیا حکومت دارد، می‌تواند برای زمان حیات و مماتش حاکم و قاضی تعیین فرماید. از این رو همین کار را هم کرده و این منصب را برای فقها قرار داده است، و تعبیر به «حاکماً» فرموده تا خیال نشود که فقط امور قضائی مطرح است و به سایر امور حکومتی ارتباط ندارد».<sup>(۱)</sup>

در این میان و با وجود اعتقاد به نصب عام ولی فقیه از جانب معصوم علیه السلام<sup>(۲)</sup> نقش خبرگان رهبری که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران<sup>(۳)</sup> آن را مسئول تعیین

عمر بن حنظله گوید: از امام ششم علیه السلام پرسیدیم: دو مرد از هم‌مذاهبان ما درباره دین یا ارثی اختلاف کنند، نزد سلطان وقت یا قاضیان به محاکمه روند، آیا این کار حلال است؟ فرمود: هر که به حق یا ناحق نزد آن‌ها به محاکمه رود پیش طاغوت به محاکمه رفته با اینکه خدا فرمان داده به طاغوت کفر ورزند و پشت کنند، خدای تعالی فرماید: «می‌خواهند پیش طاغوت به محاکمه روند با اینکه دستور دارند بدان کافر باشند» (نساء: ۶۰). عرض کردم: پس چه کنند؟ فرمود: به یکی از شماها که حدیث ما را روایت کند و در حلال و حرام ما نظر دارد و احکام ما را می‌داند مراجعه کنند و به حکمت او راضی شوند که همانا من او را حاکم شماها مقرر ساختم و اگر طبق حکم ما قضاوت کند و از او نپذیرد (کسی که حکم بر ضرر او است) همانا حکم ما را سبک شمرده و ما را رد کرده و راد بر ما بر خدا رد کرده و این خود در مرز شرک به خدا است... (محمدبن یعقوب کلینی، الکافی، تهران: دارالکتب الإسلامیة، تحقیق و تصحیح علی‌اکبر غفاری و محمد آخوندی، چ چهارم، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۶۷).

۱. سید روح‌الله موسوی خمینی، ولایت فقیه، تهران: مؤسسه‌ی تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، ۱۴۲۳ق، چ دوازدهم، ص ۹۲.

۲. که در منابع ادله‌ی مفصل عقلی و نقلی برای آن وجود دارد، اما از آن‌جا که موضوع اصلی بحث در این فصل پرداختن به نظریه‌های حاکمیت نیست و در جای خود بررسی خواهد شد، گذرا فقط به یکی از منابع نقلی آن اشاره شده است.

۳. اصل ۱۰۷ قانون اساسی - پس از مرجع عالیقدر تقلید و رهبر کبیر انقلاب جهانی اسلام و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران حضرت آیت‌الله العظمی امام خمینی «قدس سره الشریف» که از طرف اکثریت قاطع مردم به مرجعیت و رهبری شناخته و پذیرفته شدند، تعیین رهبر به عهده خبرگان منتخب مردم است. خبرگان رهبری درباره همه فقهای واجد شرایط مذکور در اصول پنجم و یکصد و نهم بررسی و مشورت می‌کنند، هر گاه یکی از آنان را اعلم به احکام و موضوعات فقهی یا مسائل سیاسی و اجتماعی یا دارای

رهبری کرده است، در واقع شهادت دادن و معرفی کردن رهبر است؛ یعنی فرض این است که در هر زمانی «فقیه اصلح» برای اداره‌ی جامعه‌ی اسلامی از سوی امام زمان (علیه السلام) منصوب شده است، ولی مردم او را نمی‌شناسند، از آن‌رو که عموم مردم فقیه نیستند و شرایط ولی فقیه را نمی‌توانند احراز کنند، با ذوق عقلایی خود به خبره رجوع می‌کنند<sup>(۱)</sup> و خبرگان تنها وجود صفات موجود در منابع فقهی و همچنین قانون اساسی برای ولی فقیه را در یک نفر کشف و احراز کرده و او را به‌عنوان ولی فقیه معرفی می‌کنند.

به این معنا و به اعتقاد غالب فقهای شیعه، امامت عقدی دوطرفه میان حاکم اسلامی و مردم نیست که به این واسطه مردم، امام را انتخاب کنند. امامت در شرع مقدس امری است الهی که خداوند این مسئولیت را بر عهده‌ی گروهی از افراد قرار داده است تا شریعت اسلام را در جامعه پیاده کنند. قائلان به این نظریه میان دو مفهوم «مشروعیت» و «مقبولیت» تفکیک قائل شده‌اند. در این مبنا، مقبولیت به معنای پذیرش مردمی حکومت دانسته شده است. اگر مردم به فرد یا گروهی برای تشکیل حکومت تمایل نشان دهند و در اثر این اقبال، حکومتی شکل گیرد، این حکومت از مقبولیت برخوردار است. اگر مانند نظام‌های دموکراسی ملاک مشروعیت حکومتی را «پذیرش مردمی» آن بدانیم، مشروعیت و مقبولیت پیوسته با هم خواهند بود و هر حکومت مشروعی از مقبولیت نیز برخوردار خواهد بود و به‌عکس، هر حکومت مقبولی مشروع نیز خواهد بود. اما اگر ملاک مشروعیت را آن‌گونه که در نظریه‌ی انتصاب گفته می‌شود- امر دیگری غیر از «پذیرش مردمی» قرار دهیم، امکان انفکاک مشروعیت از مقبولیت وجود خواهد داشت و ممکن است حاکمان و حکومت‌هایی را پیدا یا فرض کرد که اگرچه مشروعیت دارند اما مردم به آن‌ها اقبالی نشان نمی‌دهند و در نتیجه در عمل به حکومت نمی‌رسند یا به‌عکس، می‌توان حاکمان و حکومت‌هایی را یافت که با وجود تمایل مردم به آنان و

مقبولیت عامه یا واجد برجستگی خاص در یکی از صفات مذکور در اصل یک‌صدونهم تشخیص دهند او را به رهبری انتخاب می‌کنند و در غیر این صورت یکی از آنان را به‌عنوان رهبر انتخاب و معرفی می‌نمایند. رهبر منتخب خبرگان، ولایت امر و همه مسؤولیتهای ناشی از آن را برعهده خواهد داشت.

۱. محمدتقی مصباح یزدی، پرسش‌ها و پاسخ‌ها، قم: مؤسسه‌ی آموزشی و پژوهشی امام خمینی (علیه السلام)، چ چهاردهم، زمستان ۱۳۸۰، ج دوم، ص ۵۱.

برخورداری از محبوبیت مردمی، مشروعیت نداشته باشند.<sup>(۱)</sup>

بنابر نظریه‌ی انتصاب، مشروعیت ولی فقیه به نصب عام از طرف امام معصوم علیه السلام و به عبارتی غیرمستقیم از جانب خداست و مردم در مشروعیت بخشی به حاکم اسلامی نقشی ندارند، اما در تحقق و استقرار و عینیت بخشیدن به حکومت و حاکمیت فقیه، تنها عامل نقش آفرین خواهد بود؛<sup>(۲)</sup> همان گونه که در تحقق و استقرار حکومت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیه السلام نقش داشتند. به عبارت دیگر هرچند مشروعیت حکومت اسلامی از ناحیه‌ی الهی تعیین می‌شود، حکومت اسلامی هیچ‌گاه بدون خواست و اراده‌ی مردم تشکیل نمی‌شود،<sup>(۳)</sup> یعنی اگرچه نظر مثبت مردم برای تشکیل حکومتی نمی‌تواند به عنوان یک امر ایجابی، عامل مشروعیت بخشی برای ایجاد حکومت باشد، عدم پذیرش و قبول مردم، حتی در زمان حضور معصوم علیه السلام به صورت سلبی مؤثر واقع شده و عملاً مستلزم عدم تشکیل حکومت اسلامی خواهد شد.

### گفتار سوم: نقش مردم پس از تشکیل حکومت اسلامی

عوامل مشروعیت زای الهی و پذیرش و همراهی مردم صرفاً ابزاری برای تشکیل حکومت اسلامی است. فقها یکی از مهم ترین دلایل لزوم تشکیل حکومت اسلامی را ضرورت استمرار اجرای احکام دانسته اند. احکام الهی که در زمان رسول اکرم صلی الله علیه و آله به مردم اعلام شده و حکومت برای اجرای آن‌ها شکل گرفته است، در زمان‌های بعد نیز تعطیل نمی‌شوند و در نتیجه حکومت اسلامی باید تشکیل شود تا این احکام را به مرحله‌ی اجرا درآورد.<sup>(۴)</sup> این ماهیت مقدماتی بودن تشکیل حکومت، نشان می‌دهد آنچه مهم تر از تشکیل حکومت اسلامی است، نحوه‌ی اداره و مرحله‌ی استمرار حکومت اسلامی بر مبنای احکام اسلامی است که باید محل بحث قرار گیرد. اما آنچه در این گفتار موضوع بررسی است، نقش مردم در این مرحله است. به عبارت دیگر

۱. مرتضی مصباح یزدی، نگاهی گذرا به نظریه‌ی ولایت فقیه، قم: مؤسسه‌ی آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمه الله، چ بیست و نهم، ۱۳۹۱، ص ۵۴.

۲. همان، ص ۷۸.

۳. عبدالله جوادی آملی، ولایت فقیه (ولایت فقاها و عدالت)، قم: اسراء، چ چهاردهم، ۱۳۹۱، ص ۸۳.

۴. سید روح الله موسوی خمینی، ولایت فقیه، تهران: مؤسسه‌ی تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه الله، چ دوازدهم، ۱۴۲۳ق، ص ۲۵ - ۳۰.

مردم در استمرار حکومت اسلامی و نحوه‌ی اداره‌ی جامعه‌ی اسلامی در دوران تشکیل حکومت اسلامی چه نقشی ایفا می‌کنند؟

همان‌گونه‌که حکومت بدون حضور مردم نمی‌تواند مستقر شود، بدون مشارکت و همراهی مردم نیز استمرار نخواهد یافت. اصولاً انواع حکومت‌ها اعم از مستبد یا مردم‌سالار، بدون همراهی مردم امکان ادامه‌ی حیات نخواهند داشت؛ اگرچه میزان این همراهی در حکومت‌های مختلف متفاوت است. همراهی در حکومت‌های زورمدار در قالب تبعیت و اجرای فرمان‌های حاکمان بروز پیدا می‌کند و در حکومت‌های مردم‌سالار به مرحله‌ی مشارکت در حکمرانی می‌رسد. از این‌رو پرسش اصلی که باید به آن پاسخ داده شود این است که در حکومت اسلامی مردم در چه سطحی و با چه شیوه‌هایی به همراهی و مشارکت در اداره‌ی<sup>(۱)</sup> امور می‌پردازند؟ آیا نقشی که برای مردم در اداره‌ی حکومت در نظر گرفته شده است، صرفاً نقش اجراکننده‌ی دستورهای ولی امر و مسئولان حکومت اسلامی است یا اینکه ایفای نقش تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری نیز برای آن‌ها پیش‌بینی شده است؟

همان‌گونه‌که بیان شد، از آن‌جا که تشکیل حکومت اسلامی مقدمه‌ای برای تحقق اوامر خداوند متعال است، بر عموم مسلمانان واجب است که مقدمات تشکیل حکومت و در پی آن اجرای احکام اسلامی را فراهم کنند.<sup>(۲)</sup> به عبارت دیگر عموم مسلمانان به تلاش برای اجرای احکام اسلامی مکلف‌اند. از سوی دیگر اجرای بخش‌هایی از احکام اسلامی جز از طریق فعالیت منظم و صحیح حکومت اسلامی ممکن نیست. در نتیجه عموم مسلمانان نسبت به تلاش برای استمرار و اداره‌ی حکومت اسلامی مکلف خواهند بود.

اصل ۶ قانون اساسی اداره‌ی امور کشور در جمهوری اسلامی ایران را با اتکا بر

۱. اداره را نظم دادن و گرداندن کار معنی کرده‌اند (محمد معین، فرهنگ فارسی، ج ۴، امیرکبیر، چ بیست‌وپنجم، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۱۷۷). بدین معنا منظور از نقش مردم در اداره‌ی جامعه این است که مردم در حاکم ساختن نظم در جامعه و پیشبرد امور از طریق قوه‌ی قاهره و تصمیمات عالی‌ی نهادهای حاکمیتی چه نقشی داشته و نظر آن‌ها چه تأثیری در گرداندن جامعه دارد.

۲. حسینی منتظری، دراسات فی ولایة الفقیه و فقه الحکومة الاسلامیة، قم: تفکر، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۸۳-۲۰۴.



آرای عمومی از راه انتخابات و همه‌پرسی معرفی کرده است. بی‌شک مراد قانون‌گذار اساسی از چنین امری با استفاده از کلماتی همچون اداره و انتخاب رئیس‌جمهور، نمایندگان مجلس شورای اسلامی و اعضای شوراها و ...، همین مرحله پس از تشکیل حکومت اسلامی و چگونگی نظم دادن و گرداندن امور جامعه است و واضح است که این اصل نسبت به سایر مراحل فرایندهای ایجاد حکومت اسلامی مطلبی ندارد. به این امور در دیگر اصول قانون اساسی نیز اشاره شده است که به تفصیل در سایر فصول مبانی تحلیلی نظام جمهوری اسلامی ایران اشاره خواهد شد.

### مبحث دوم: ادله‌ی فقهی اداره‌ی امور کشور با اتکا بر آرای عمومی

نقطه‌ی کلیدی و مورد توجه در این بخش در تحلیل مبانی نظام در اصل ۶ قانون اساسی، حکم صریح این اصل بر اداره‌ی امور کشور با اتکا بر آرای عمومی از طریق انتخابات و همه‌پرسی است. این اصل تلاش کرده نقش مردم را در مرحله‌ی اداره‌ی حکومت اسلامی مشخص کند و در نهایت به صراحت اداره‌ی امور عمومی را به آرای عمومی متکی کرده و نقش مردم را در اداره‌ی امور جامعه مشخص کند؛ البته مردم این اعمال مدیریت را براساس سازوکار قانونی، به صورت غیرمستقیم و از طریق نمایندگان خود انجام خواهند داد یا اینکه در موضوعات خاص همه‌پرسی صورت خواهد گرفت.

آنچه درباره‌ی این حکم قانون اساسی نیازمند تحلیل و بررسی است، مبانی و ادله‌ی فقهی و کلامی این موضوع یعنی اداره‌ی امور با اتکا بر آرای عمومی است. آیا مشارکت مردم و اتکا به نظر ایشان با استفاده از ادله‌ی فقهی قابل اثبات است؟ یعنی براساس نظر شارع مقدس، مردم در مرحله‌ی اداره‌ی حکومت اسلامی نقش مؤثری در امور دارند یا خیر؟ که در این مبحث به این سؤالات پرداخته خواهد شد.

برای درک صحیح مبانی بحث مشارکت مردم در اداره‌ی حکومت اسلامی باید دریافت که منظور از این مردمی که قرار است در اداره‌ی حکومت اسلامی نقش داشته باشند چیست؟ آیا منظور همان شهروندان مدنی در حکومت‌های لیبرال است یا تعبیر دیگری از مردم مدنظر است؟

برای فهم دقیق این موضوع باید نقطه‌ی عزیمت بحث را از حاکمیت الهی شروع کرد. حاکمیت الهی از وحدانیت خداوند سرچشمه می‌گیرد. یکتایی خداوند جنبه‌های مختلفی دارد و حاکمیت الهی بر زندگی بشر از توحید در تشریع و ربوبیت تشریعی او